

بسم الله الرحمن الرحيم

در حادثه‌ی کربلا، ظالم و مظلومی بود باید بررسی کنیم چه پیامی دارد؟

* زیبایی‌های کربلا؛

۱- رضایت از خدا

راضی بودن از خداوند خیلی مهم است، اگر چیزی موافق میل ما راضی هستیم، و اگر خلاف میل، ای خدا این چه بساطی است؟ چرا، چرا را شروع می‌کنیم، بدانیم که خدا حکیم است، ما هم مثل بچه‌ای وقتی مادرش او را می‌برد حمام جیغ می‌زند، مصاحبه، شما از مادرت راضی هستی؟ می‌گوید: نه مامان بد است، حال آنکه مامان خوب است، منتهی اگر بخواهی تمیز بشوی باید لیف و کیسه و صابون و آب داغ را تحمل کنی. اگر خواستیم درخت سبز بشود باید عرق کشاورز هم در بیاید و اگر این خاک سبز بشود باید با بیل توی سر خاک بزنیم و آن را زیر و رو کرده و شخم بزنیم و اگر این گندم آرد بشود باید زیر سنگ آسیاب برود و اگر خواستیم خمیر بشود باید خمیرگیر مشت و مالش بدهد و اگر خمیر نان بشود باید به تنور باید پوست صورتش را به آتش بسوزد، بعد دوباره زیر دندانها خمیرشود می‌گوید چه گناهی کرده ام؟ ماهم در جواب او می‌خوانیم که؛ (از جمادی مردم و نامی شدم) تو قبلاً جماد و خاک بودی گندمی می‌خواهد سلول بدن انسان شود باید این راه را طی کند، رشد بدون سختی نمی‌شود و ارزش هم این است و گرنه انسان از مادرش بوعلی سینا متولد بشود هنر نیست هنر اینست که ایشان با زحمت درسی بخواند، یک بشکه‌ای که از بالا سُر می‌خورد و پایین می‌آید کف نمی‌زنند اما اگر انسانی روی برف سُر بخورد مردم کف می‌زنند، نه زمانی که او را هُل بدهند، ارزش ما با این است که با زحمت، با تحصیل، با تجربه، خودمان را به جایی برسانیم شعار امام حسین(ع) این بود:

«رَضِيَ اللَّهُ رِضَاتًا» (بحار الانوار/ج ۴۴/ص ۳۶۶) هر چه خدا راضی است ما هم به همان راضی هستیم.

«صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ» هر چه را که تو مقدر کرده‌ای صبر می‌کنیم. و به زینب کبری(س) هم فرمود: «ارضى» راضی باش «بِقَضَاءِ اللَّهِ» هر چه خداوند مقدر کرده راضی باش.

مهم است آن است که بدانیم خدا حکیم است، ما هم به همان مقدار عقلی که داریم زیر دیگ آتش روشن می‌کنیم آن مسی که روی آتش است اگر شعور داشته باشد جیغ می‌زند ما باید بگوییم آهای مس! تو باید داغ بشوی تا آب جوش بیاید آب باید جوش بیاید تا غذا پخته بشود.

در عروسی، پول داری تالار بگیر، نداری عقد خصوصی تالار نمی‌خواهد، پول داری پیراهن عروس باشد، نداری ما به زندگی ساده راضی هستیم، داماد هم بگوید: اگر داشتی جهیزیه تهیه کن نداشتی من همسرم را بخاطر کمد و طلا نمی‌خواهم، کمالاتی دارد که براساس کمالات ازدواج کرده‌ام. اگر راضی باشیم زندگی‌ها شیرین می‌شود، راضی شدن

آسانتر است، سوار پیکان شده تا یک پژو می‌بینند سوت می‌کشند، پژوی بنز می‌بیند سوت می‌کشد، این سوتها بیخ ندارد، چرا که اگر کره زمین را به ما بدهند می‌گوییم: نمی‌شود کره ماه را هم بگیریم؟ خداوند رشد را بر سایه‌ی داشته‌ها قرار نمی‌دهد در سایه‌ی عمل ما قرار می‌دهد. یکی ده تومان دارد یک تومان به فقیر کمک می‌کند و یکی ده میلیون دارد یک میلیون کمک می‌کند ثواب کدام بیشتر است؟ حدیث می‌فرماید: چون هر دو یک دهم مالشان را داده‌اند. یک دانگ خانه‌ی کوچک شش دانگ است و خانه‌ی بزرگ هم شش دانگ است. پس هر دو از نظر سخاوت یک جور هستند. در دعا داریم:

«یا من سوی التوفیق بین الضعیف و القوی» ای خدایی که مساوی قرار دادی توفیق بین ضعیف و قوی را.

یکی تیزهوش است می‌رود کتابخانه در یک ساعت بیست تا مطلب یاد می‌گیرد یکی هم کند هوش است یک مطلب یاد می‌گیرد اما هر دو اجرشان یک جور است چون هر دو دو ساعت تلاش کردند، مثل حفاری که روز مزد پول می‌گیرد چه این چاه به آب بخورد چه به آب نخورد.

قرآن می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) برای انسان است نسبت به آنچه سعی می‌کند. سعی خودت را کردی و مزدت را گرفتی چه بشود و چه نشود.

۲- حفظ حیات جامعه

در جامعه ما باید هشدار باشد، مثل تابلوهای جاده‌ها، امام حسین (ع) در مسیر راه فرمود:

«سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَنْ يُذِلُّهُمْ» (بحار الانوار/ج ۴۴/ص ۳۷۴) بعد از شهادت من خداوند کسی را بر مردم حاکم خواهد کرد که مردم را ذلیل خواهد کرد. «حَتَّى يَكُونُوا أَذْلَ فِرَقِ الْأُمَمِ» ذلیل ترین فرقه‌های اسلامی فرقه‌ای می‌شوند که بعد از شهادت امام حسین زندگی کردند.

در جامعه هشدار بدهیم که فلانی اگر با این رفیق بشوی معتاد می‌شوی، عروس خانم عاشق این پسر شده‌ای، آقا پسر عاشق این دختر شده‌ای ذلیل می‌شوی این لقمه حلال نخورده، درآمد پدرش حرام است، نسل پاک‌ی نخواهی داشت، ربا خوار است، بله مضاربه حلال است که بگوید: ده میلیون به تو می‌دهم با آن کاسبی کن هر چه گیر تو آمد نصف آن مال من که صاحب پول هستم و نصفش هم مال تو که جان کار کرده‌ای. در ازدواج‌ها باید هشدار بدهیم با آدم تارک نماز، ربا خوار ازدواج نکنیم، برای شهوت، مرغ و خروس نیستیم، برای تربیت نسل باید مسائل دیگر را هم در نظر بگیریم.

۳- دعا یا نفرین

امام حسین (ع) در کربلا هم دعا کرد و هم نفرین، در قرآن هم نفرین داریم و هم دعا، منتهی نفرین باید بجا باشد بعضی نفرین‌ها مستجاب نمی‌شود و چه خوب است که مستجاب نمی‌شود، حکمت خدا این است که آن‌ها را مستجاب نمی‌کند و گرنه کمتر مادری است که گرچه یک دفعه به بچه‌اش نگوید برو گم شو، انشاءالله بروی زیر ماشین، امام حسین (ع) فرمود:

«اللَّهُمَّ احْبِسْ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ» (بخارا انوار/ج ۴۵/ص ۹) خدایا باران رحمتت را بر این مردمی که مرا می کشند قطع کن. و «اللَّهُمَّ امْنَعْنَهُمْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ» خدایا برکات زمین را از این مردم قطع کن. به عمر بن سعد فرمود: «قَطَعَ اللَّهُ رَحِمَكَ» (بخارا انوار/ج ۴۵/ص ۴۲) خدا نسل تو را قطع کند همینطور که علی اکبر من را کشتی.

۴- احسان

نباید بگوییم من اینرا دوستش ندارم، دوستش نداری یا داری به او کمک کن، فعلاً نیاز دارد. قرآن می فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳) با مردم خوب حرف بزن. نگفته با مؤمنین، با مردم، اگر مسلمان هم نیست خوب حرف بزن. خاطره؛

یکی به نوکرش گفت: مادر فلان، امام باقر(ع) فرمود؛ من فکر می کردم که تو آدم باتقوا و خوبی هستی ولی زیانت هرز است، گفت: آقا این مادرش مسلمان نیست، مسلمان نباشد. حق جسارت وبد گفتن نداریم. امام (ع) به همین جهت با دوست بیست ساله اش قطع رابطه کرد برای اینکه هرزه گفت.

امام حسین(ع) در مسیر کربلا در حالی که حر راه را برحضرت بست با این حال فرمود: به لشگراو آب بدهید. ولی بعضی هم می گویند: فلانی یک زمانی قربانی کرد برای ما گوشت نیاورد، ما هم قربانی می کنیم برای او گوشت نمی بریم، عروسی دخترش من را دعوت نکرد من هم او را دعوت نمی کنم. روایت داریم:

«صِلْ مَنْ قَطَعَكَ» (فقیه/ج ۴/ص ۱۷۷) وصلت کن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است.

امام سجاد(ع) می فرماید: «وَ أُوْاْخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِیْ اِلَیَّ حُسْنِ الذِّكْرِ» (صحیفه سجادیه/ص ۹۲) کسی که غیبت مرا کرده است و پشت سر من حرف زشت زده است، خدایا به من توفیق بده که من خوبی اش را بگویم. او سلام نکرد من سلام کنم، دیدن من نیامد، تشیع جنازه فامیل ما نیامد، عروسی فامیل ما نیامد، دراین برنامه ها معامله نکنید. اگر معامله می کنید با خدا معامله کنید. حضرت فرمود: حر با هزار نفر آمده است، به هزار نفر و اسب های او هم آب بدهید، احسان به مخالف خیلی زیباست. ولی متاسفانه در خطوط سیاسی یکی که حاکم می شود یک نفر از جناح مخالف را هم راه نمی دهد.

افطاری یک آب جوش و خرما هم که می خواهد بدهد همین ملاحظات را دارد. بله وقتی خط سیاست ما گل می کند دیگر افطاری به آن خط مخالف نمی دهیم. به یکی گفتم: اگر بفهمی که فلانی که از نظر سیاسی با تو مخالف است حلیم فروش است، از او حلیم می خری؟ گفت نه، گفتم دیگ حلیم چه گناهی کرده است؟! این خط سیاسی نیست، فساد و سرطان اخلاقی است، بعضی به اسم روشنفکری و خط سیاسی و قاطعیت این برخوردها را دارند. از آن جناح باشد عیادت او نمی روند اما اگر یک سرفه کند از جناح خودش باشد مینی بوس مینی بوس می روند عیادتش، اینها سرطان اخلاقی است.

قرآن می فرماید: «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس/۱۰) زمان جاهلیت زنش که دختر می آورد می گفت: چه خاکی به سرکنیم، این دختر را زیر خاک پنهان کنیم، زنده به گور کنیم. افرادی هستند که پولش را یا علم‌اش را، شاعر است شعرش را پنهان می کنند. خدا هر چه به ما داده در اختیار دیگران هم بگذاریم. می فرماید:

«وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی/۱۱)

اگر خودکار نداری من دو تا خودکار دارم، اسلام با معطل گذاشتن هر نعمتی مخالف است، گناه است، حدیث داریم: اگر کسی زمین را کشاورزی نکرده و را رها کرده است، حتی دیوار کشیده و سنگ چینی هم کرده ولی تا سه سال استفاده نکند مالک و اختیار دار نیست. آب را زمین را، پول را معطل کنیم و با آن کار نکنیم کنز است، و علم را یاد ندهیم کتمان است.

۵- برخورد با سرچشمه فساد

گاهی ما سرچشمه را رها می کنیم می رویم سراغ شاخه، حاکم مدینه پیشنهاد کرد به امام حسین که با یزید بیعت کن حضرت فرمود: جدم پیغمبر فرمود: حکومت بر خاندان ابوسفیان حرام است، «إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ عَلَي مِثْبَرِي» (بجاراتانوار/ج ۳۳/ص ۱۹۱) اگر معاویه را دیدید رفته روی منبر من «فَابْتَرُوا بَطْنَهُ» شکمش را پاره کنید. چون اگر معاویه باشد بعد پسرش می آید بعد ماجرای کربلا پیش می آید، از سرچشمه که معاویه است جلویش را بگیرید. حضرت فرمود: اهل مدینه به این سفارش عمل نکردند «فَلَمْ يَفْعَلُوا فَايْتَلَاهُمْ اللَّهُ بِبِزِيدٍ» کیفر اینکه با معاویه درگیر نشدند این است که بعد از معاویه، یزید مسلط شد. و به لشگرش گفت: همه دخترهای مدینه برای شما حلال، و بدترین فحشا در مدینه اتفاق افتاد. (خوارزمی/ج ۱/ص ۱۸۵) - (لُحُوف/ص ۲۰)

۶- عذر پذیری

حر بعد از آنکه مسیر را بر امام حسین (ع) بست و حضرت با بزرگواری و کرامت با او برخورد کرد، پشیمان شده و عذرخواهی کرد و حضرت او را بخشید. فرمود سابقه شما، دیگر شتر دیدی ندیدی، گاهی یک جوان اشتباهی کرده، زندان هم رفته، می گویند این همان که زندان بود، دختر فلانی را گرفتی داداشش زندان بوده؟ دختر چه گناهی کرده است؟ ممکن است انسان خلافکار باشد ولی جدی توبه کند.

امام حسین (ع) فرمود: «انت حر كما سمتك امك حر» [«يَا حُرُّ أَنتَ حُرٌّ كَمَا سُمِّيتَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (بجاراتانوار/ج ۴۴/ص ۳۱۹)] ای حر تو آزاده ای همانطور که مادرت چنین نامی برای تو نهاده است.

۷- جلوگیری در منکر

جلسه فساد است اگر می توانی کل جلسه را تعطیل، اگر نمی توانی، تک تک، مثل طناب اگر می توانی کل طناب را پاره کن اگر نمی توانی یک نخ آنرا پاره کن.

لشگر آمده اند امام حسین (ع) را بکشند، بدترین گناه، در عین حال حضرت به همین لشگر می فرماید: کاری به زن و بچه من نداشته باشید، و تا من زنده هستم به خیمه ها حمله نکنید.

از این می‌فهمیم که اگر ده تا گناه هست و شما جلوی نه تا را نمی‌توانی بگیرد ولی یکی را می‌توانی، بگیر. اگر آب داشتی همه بدنت را می‌شویی، ولی اگر آب کم بود فقط دستت را می‌شویی، نباید گفت همه بدنم که نجس است بگذار دست هم کثیف باشد.

گاهی هم می‌گوییم این کارش از این حرفها گذشته است او را رها کنید. هرز است ولی یک کار خوبی را به او القا کن، شاید آن خوبی باعث شد باقی کارهایش هم خوب بشود، اگر شما در مجلسی هستی که افرادی گناهای می‌کنند، گناه در گناه، و شما در مقابل موج گناه قرار گرفته‌اید، اگر می‌توانی یکی از این گناهان را جلوگیری کن، نگو این چه فایده‌ای دارد؟ پس باقی گناهانش چی؟ یعنی اگر نمی‌توانم کل شهر را تمیز کنم پس خانه خودم را هم تمیز نکنم!!!

امام حسین (ع) فرمود: اگر چند منکر را دیدی می‌توانی جلوی یکی از آنها را هم بگیر.

خدایا تو را به حق محمد و آل محمد ایمان سالم عقل قوی رزق حلال علم مفید عمر با برکت عزت در دنیا و آخرت سعادت عزت و برکت به فرد فرد امت اسلامی مرحمت بفرما.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»